

ژورنال

شماره ۷۲۹

۱۳ مه ۲۰۲۴ - ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

حکومت حسن روحانی دشمن آزادی بیان

کیوان جاوید

شکنجه زندانیان سیاسی با بحران ساس

سهیلا دالوند

مافیای زباله و زباله گردهای نگون بخت

تهمینه صادقی

اینجا بغلان است، آدمیت را سیل برده است!

سیامک بهاری

مبارزه با مذهب، چگونه؟

سؤال از مصطفی صابر

حکومت حسن روحانی دشمن آزادی بیان

کیوان جاوید

حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین جانیان اسلامی در واکنش به رد صلاحیتش در "انتخابات" اسفندماه گذشته اعلام کرد: "نامه شورای نگهبان [در تشریح دلایل رد صلاحیت] به من ثابت می‌کند که عالی‌ترین مقام منتخب مستقیم ملت ایران حتی در حد یک شهروند هم از حق آزادی بیان برخوردار نیست!"

این نامه حسن روحانی چیزی جز اعتراف یکی از بالاترین و قدیمی‌ترین مقامات حکومت اسلامی به این نیست که این جانیان از اولین لحظه

به قدرت رسیدن تا همین امروز دشمنان قسم خورده آزادی بیان بوده و هستند. اعتراف روحانی دارد با صدای بلند این حقیقت را جار می‌زند که مردم در ایران حق دارند برای سرنگونی این حکومت از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

یک لحظه به این فکر کنیم اگر روحانی رد صلاحیت نمی‌شد و می‌توانست وارد مجلس ارتجاع اسلامی شود آیا دیگر چنین انتقاداتی نسبت به یاران قدیمی خود مطرح می‌کرد؟

روحانی و جناح درمانده‌تر از جناح خامنه‌ای را از چنگ انداختن به اهرم‌های قدرت محروم کردند؛ چون تشخیص دادند با خط و سیاست

جناح روحانی حکومت اسلامی سریع‌تر رو به
سرنگونی می‌رود. خط حاکم حکومتی اشاعه
بی‌دروپیکر تروریسم اسلامی و حکومتی در منطقه
و قدرت‌نمایی نظامی و حمایت تسلیحاتی وسیع
از مزدوران منطقه ای خود است. خط روحانی
سازش گام‌به‌گام با آمریکا است. خط حاکم در
ایران حداکثر فشار برای مقابله فرهنگی و تحمیل
حجاب به زنان و خط روحانی کنترل گام‌به‌گام
و باز کردن سر سوزنی از اختناق فرهنگی علیه
زنان است. این اختلاف بنیادی این دو بخش
حکومتی است که هر کدام در نبرد با مردم و
برای کنترل انقلاب مردم روش امتحان پس داده
و البته شکست‌خورده متفاوتی ارائه می‌دهند.

خط روحانی در حکومت خریداری ندارد. حالا که این مُهره کارساز در ساختار جمهوری اسلامی که مشارکت در ده‌ها هزار قتل حکومتی در پرونده خود دارد همچون کاغذتوالت بعد از مصرف دور انداخته شده به یاد مردم و نقض آزادی بیان افتاده است.

دیر آمدی و هرگز به آرزوی خود که بازگشت به قدرت باشد نخواهی رسید. انقلاب بساط همه شما را جارو می‌کند. دیگه تمومه ماجرا.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

شکنجه زندانیان سیاسی با بحران ساس

سهیلا دالوند

ضیا نبوی، زندانی سیاسی و فعال سابق دانشجویی که برای گذراندن حکم یک سال حبس در زندان اوین به سر می‌برد، از شیوع ساس در بند هشت زندان اوین خبر داده است. او در نامه اش شرایط شیوع ساس در این بند را اینگونه توصیف کرده که زندانیان حتی با خوردن قرص‌های خواب قوی هم نمی‌توانند بخوابند.

سهیل عربی، زندانی سیاسی در تبعید نیز در خاطراتش می‌نویسد: ”یک شب تو زندان تهران بزرگ، تیپ یک، دارالقرآن خواب بودم، دماغم تازه شکسته بود،

با دهان نفس می کشیدم، یک ساس از سقف افتاد تو حلقم. او ادامه می دهد: ”ما هر هفته تو زندان فیبر تخت ها رو آتش می گرفتیم و تمیز می کردیم، ولی باز زندانی جدید با خودش ساس و شپش و گال می آورد.“

رژیم اسلامی نه تنها با شکنجه، محرومیت از دارو و درمان، محرومیت از حق ملاقات، محرومیت از ارتباط تلفنی، تراکم و نبود فضای مناسب، نبود آب آشامیدنی سالم، عدم تفکیک جرایم، زندگی جسمی و روانی زندانیان را در معرض خطر قرار می دهد، بلکه با پایین نگه داشتن عامدانه کیفیت زندگی و به شدت غیرقابل تحمل در زندان های قرون وسطایی خود، بیشتر زندانیان را تحت شکنجه و اذیت و آزار قرار می دهد.

این شرایط حاکم بر زندان‌ها نشان‌دهنده نادیده گرفتن حقوق ابتدایی و بهداشتی زندانیان از طرف رژیم اسلامی است که سلامت روحی و جسمی آنها را به صورت سیستماتیک مورد هجوم قرار می‌دهد. سندی دیگر است بر بیارزش بودن جان انسان‌ها برای جمهوری اسلامی و نقض مکرر حقوق ابتدایی زندانیان.

بیان حقیقت و افشای انواع شکنجه‌هایی که در زندان‌های جمهوری اسلامی در جریان است تازه شروع حرکتی است که باید با اقدامات مشخص تعرضی تر پاسخ بگیرد. در این مبارزه خانواده‌های زندانیان، اعم از سیاسی و غیرسیاسی نقش اساسی دارند. مدارک و اسناد این شکنجه‌های روحی و جسمی

باید جمع آوری شوند. سازمان‌های مدافع حقوق انسان از جمله "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" این اسناد را در اختیار سازمان‌های بین‌المللی قرار می‌دهند تا اهرم فشار جهانی بر جمهوری اسلامی باشد. افکار عمومی جهان نیز در این زمینه می‌تواند با استناد به این مدارک انکارناپذیر، جمهوری اسلامی را وادار کند که انواع شکنجه در زندان‌های این رژیم پایان یابد و همه زندانیان سیاسی در ایران آزاد شوند.

فعالین و مبارزان جنبش سرنگونی در ایران باید در دفاع همه‌جانبه از زندانیان سیاسی اقدامات مشخص و فوری در دستور فعالیت خود بگذارند.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

مافیای زباله و زباله گردهای نگون بخت

تهمینه صادقی

درآمد ماهانه ۳۰ میلیون تومانی مافیای زباله از هر زباله گرد.

رضا محمدی، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند می گوید: "کارگری که در مخزن زباله، زباله گردی می کند، ده میلیون تومان درآمد دارد درحالی که زباله بیش از ۴۰ میلیون تومان ارزش دارد، اما مافیای زباله گردی این زباله را ده میلیون تومان می خرد، یعنی به ازای هر زباله گرد، مافیای زباله گرد، سی میلیون تومان کاسبی می کند." او معتقد است که ۶ هزار زباله گرد در تهران

وجود دارد و این افراد بیش از ۶ هزار، ۳۰ میلیون تومان ماهانه درآمد دارند.

خبرگزاری مهر نیز می‌نویسد: "بیش از ۴ هزار و ۷۰۰ کودک زیاله گرد در تهران زندگی می‌کند که ۴۰ درصد آنها تنها نان‌آور خانواده‌اند. این کودکان در معرض انواع بیماری‌های عفونی مانند هیپاتیت و ایدز، بیماری‌های پوستی و... هستند. زیاله گردان ۱۵ تا ۱۷ سال حدود ۳۰ درصد از این کودکان را تشکیل می‌دهند؛ این آمار بین افراد ۱۱ تا ۱۲ سال نیز ۲۳ درصد است؛ اما ساعت‌های کاری آنها بسیار بالاست و تا پاسی از شب نیز ادامه دارد."

این زنگ خطری باید باشد در مقابله قاطع و همه‌جانبه علیه این بهره‌کشی برده‌وار که زندگی این بخش محروم از طبقه کارگر در ایران را به تباهی می‌کشاند. اینجا دیگر نقش جنبش‌های مبارزاتی که در جهت رفاه عمومی و منزلت و معیشت، رودرروی حکومت قرار دارند بسیار برجسته می‌شود. بخش عمده این کارگران که در فقر و فلاکت گرفتار آمده‌اند را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند و تعداد قابل توجهی از آنها مهاجرین از افغانستان هستند که اسیر حکومت فاشیستی اسلامی‌اند.

تشکل‌های کارگری، معلمان و بازنشستگان. جنبش دانشجویی و فعالین حقوق مدنی و انسانی

باید دفاع از این اسرای مافیای اسلامی را به یک رکن مبارزه برای زندگی بهتر برای همه ساکنین (شهروندان) در ایران تبدیل کنند. این محکومان فقر و فلاکت حکومت اسلامی، فاقد امکان مبارزه متشکل در دفاع از معیشت و منزلت خود هستند. حمایت از این بردگان نظام سرمایه‌داری اسلامی وظیفه انسانی ما است. یک لحظه درنگ نکنیم.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

اینجا بغلان است، آدمیت را سیل برده است!

سیامک بهاری

”ما نه غذا داریم، نه آب آشامیدنی، نه سرپناه،
نه پتو، نه هیچ چیز، سیل همه چیز را ویران کرده
است!“

این فریاد مردم مستأصلی است که از روز جمعه،
۲۱ اردیبهشت تا کنون پس از سیل ویرانگر در
شمال افغانستان در بغلان، برکه و فلول به حال
خود رها شده‌اند!

پس از نادیده گرفتن اخطارهای مکرر اداره
هواشناسی که سیلاب‌های هولناکی در راه است!

بارندگی شدید، مناطق بزرگی از شمال افغانستان را در بر گرفت. از پیش فرصت کافی بود که برخی مناطق تخلیه شوند. مردم آموزش ببینند، امکانات زیستی پیش از فاجعه به منطقه ارسال شود، مسیله‌ها پاک‌سازی شود. با وجود همهٔ اخطارها اما کوچک‌ترین آمادگی و اقدامی از سوی حکومت طالبان نه تنها صورت نگرفت؛ بلکه پس از فاجعه نیز بی‌توجهی به جان‌بازمانگان و آسیب‌دیدگان ادامه دارد.

طبق برآورد سازمان‌های امدادی قریب به یک میلیون نفر و از آن میان بیش از سیصد هزار کودک بی‌خانمان، بدون دسترسی به آب آشامیدنی، غذا و لباس، بی‌سرپناه، گرسنه و مجروح و بیمار در

روستاهای ویران شده، غرق در گل‌ولای گیر افتاده‌اند. از ۴۲ خانه در یک روستا چیزی باقی نمانده است. بیش از ۲۶۰۰ خانه به‌طور کلی در روستاهای شیخ جلال، شهرک صلح و شرشر از دهستان‌های بغلان مرکزی و برکه و نیز در منطقه فلول تخریب شده و تمام منطقه را سیل برده است! صدها تن کشته و زخمی شده‌اند، هزاران خانه ویران و غیرقابل سکونت است.

یکی از امدادگران محلی با استیصال می‌گوید: ”جان و معیشت کودکان شسته شد. سیل ناگهانی روستاها را فراگرفت، خانه‌ها را از بین برد و دام‌ها را کشت. مناطق آسیب‌دیده در ولایت بغلان با وسایط نقلیه‌ای قابل‌دسترس نیست! اگر بتوان

کمکی ارسال کرد تنها به وسیله حیوانات بارکش
میسر است!

پس سه روز از وقوع فاجعه تیم‌های نجات و
تجهیزات هنوز به منطقه نرسیده و مردم مصیبت‌زده
با ابتدایی‌ترین امکانات با مشقت و فلاکت دارند
عزیزانشان را از میان گل‌ولای بیرون می‌کشند.
مانند همیشه زنان و کودکان قربانیان اصلی‌اند.
مانند زلزله ویرانگر هرات، طالبان برای نجات
و حتی دفن اجساد زنان نیز برخورد متعصبانه و
تبعیض‌آمیز دارند.

سیل اگرچه یک حادثه طبیعی شمرده می‌شود؛
اما کاملاً قابل‌پیشگیری است و می‌توان از لطمات

آن جلوگیری کرد. بی توجهی به مصیبت دیدگان، نبود امکانات امدادی و درمانی و خدماتی، دیگر ربطی به بلایای طبیعی ندارد. طالبان مسئول مستقیم خسارات و تلفات و لطماتی است که سیل زدگان شمال افغانستان متحمل شده‌اند. نباید مردم بلادیده افغانستان در اسارت جانیان اسلامی طالبان رها شوند. باید به دادشان رسید.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

مبارزه با مذهب، چگونه؟

سؤال از مصطفی صابر

کیوان جاوید: آیا مذهب را می‌شود از سیاست جدا کرد؟

مصطفی صابر: خیر، نمی‌شود. سیاست یک امر عینی و خارج از اراده هرکسی است. مذهب هم ساخته و پرداخته خدایان نیست، بلکه یک پدیده عینی اجتماعی و تاریخی است. تا وقتی که سیاست هست و مذهب هست این دو برهم دیگر تأثیر متقابل می‌گذارند.

در مراحل اولیه تحول اجتماعی بشر، وقتی که هنوز

مالکیت خصوصی، طبقات و دولت شکل نگرفته بود، چیزی به‌عنوان سیاست به معنای طبقاتی و امروزی وجود نداشت. مذهب نیز به شکل و با خاصیت امروزی‌اش نبود. مذاهب اولیه، مثلاً آنیمیسم یعنی روح قائل‌شدن برای کوه و حیوانات و نیاکان، یا شمینیسیم، جادوگری و غیره، منطبق بود با جوامع اشتراکی و اولیه. هم مذهب سازمانیافته و هم سیاست هر دو محصول شکل‌گیری جامعه طبقاتی، یعنی جامعه مبتنی بر استثمار اکثریت توسط یک اقلیت حاکم است. در این دوره نقش اجتماعی مذهب تغییر کرد و معمولاً در خدمت حفظ حاکمیت طبقات دارا قرار گرفت و گاه نیز پرچم جنبش‌های اجتماعی برای تغییر اوضاع شد.

در دوره پیشا سرمایه‌داری، مذهب رسمی، آخوند

و کشیش و خاخام در خدمت خان و فتودال بود. بورژوازی برای برقراری حاکمیت خود پرچم رفرم مذهبی و نهایتاً جدایی مذهب از دولت را برافراشت و با پیشرفت علم و صنعت، به میزان زیادی نفوذ تاریخی مذهب و جهل و خرافه عقب رانده شد. با این‌همه، گرچه در خیلی جوامع اصل جدایی دولت از مذهب کم‌وبیش برقرار شد، اما مذهب همچنان از لحاظ سیاسی نقشی مهم به نفع حفظ وضع موجود و منافع بورژوازی ایفا می‌کند. در اواخر قرن بیستم و تمام طول قرن بیست و یکم ما شاهد برگشت و عروج مذهب سیاسی بخصوص به شکل اسلام سیاسی هستیم که نقش کاملاً ارتجاعی در خدمت حاکمیت سرمایه و علیه کارگران و زنان و همه اقشار جامعه ایفا کرده است. نمونه بارز آن جمهوری اسلامی است.

کیوان جاوید: چرا جدایی مذهب از دولت مهم است؟

مصطفی صابر: جدایی مذهب از دولت اولین گام جدی در جهت رهاکردن بشر از شر خرافه و جهل و مذهب است. جدایی مذهب از دولت، از آموزش و پرورش و سلب امتیازات تاریخی مذهب مثل نقشش در ازدواج و تولد و مرگ و غیره، کمک زیادی خواهد کرد که نقش سیاسی مذهب تقلیل یابد و بهر حال اهرم امتیازات دولتی و قانونی از آن گرفته شود. در این حالت مذهب از امتیازات بی‌شماری که بدیهی قلمداد می‌شود، مثل انتقال طبیعی مذهب از والدین به فرزندان، محروم می‌شود. مذهب مثل هر انجمن و بنگاه دیگر شامل علنیت،

شفافیت می‌شود و در معرض حسابرسی شهروندان قرار می‌گیرد و به جایی که تعلق دارد؛ یعنی به باور مؤمنین و پیروانش رانده می‌شود. دولت در این حالت کاملاً خصلت غیرمذهبی به خود می‌گیرد و آزادی بی‌قید شرط بیان و عقیده و از جمله آزادی مذهب و بی‌مذهبی را برقرار می‌کند.

کیوان جاوید: مذهب به‌عنوان جهل در چه شرایطی ریشه کن می‌شود؟

مصطفی صابر: تا کنون متناسب با هر درجه از پیشرفت علم و صنعت و اعتلای اجتماعی از نقش جهل و خرافه و مذهب در جامعه کاسته شده است. اما ریشه‌کن‌شدن مذهب بستگی به این دارد تا تمامی زمینه‌های اجتماعی بقای مذهب از جمله

فقر، نابرابری، از خود بیگانگی، محرومیت و تبعیض و گرایش‌ات عقب‌مانده از بین برود. فقط در جامعه‌ای که انسان از هرگونه استثمار و نابرابری رها می‌شود و تماماً بر سرنوشت خود حاکم می‌شود، در جایی که آزادی و برابری جهان شمول انسانی و علم مبنای زندگی اجتماعی قرار گیرد می‌توان تصور کرد نقشی برای مذهب باقی نخواهد ماند. در آنجا مذهب مثل خیلی محصولات ماقبل تاریخ "انسانیت اجتماعی شده"، نظیر دولت و سیاست به مفهوم امروزی آنها، نهایتاً زوال پیدا خواهد کرد.

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱۳ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال